

بررسی علل فرار دانش‌آموزان از مدرسه

علیرضا عصاره^۱ و علیرضا سلمانی^۲

۱ هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۲ کارشناس ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

چکیده

هدف تحقیق حاضر، شناسایی عوامل مختلف فرار دانش‌آموزان از مدرسه و پیدا کردن راه‌های مقابله با این پدیده و پیشگیری از آن بود. روش تحقیق علی مقایسه ای و جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر از کلاسهای چهارم ابتدایی تا سوم دبیرستان‌های شهر تهران می باشد که تعداد ۲۹۳۴ دانش آموز در دسترس در دو گروه مطالعه و مقایسه (هر گروه ۱۴۶۷ نفر) شامل دانش آموزانی که از مدرسه فرار کرده بودند و دانش آموزان عادی انتخاب گردیدند و اطلاعات مورد نیاز بوسیله دو پرسشنامه دانش‌آموز و والدین جمع‌آوری گردید. روایی و پایایی پرسشنامه‌ها انجام و محاسبه گردید. یافته‌ها: نتایج مورد نظر عبارت بودند از: افت تحصیلی، فقدان انگیزش، ترس از شکست تحصیلی، برخورد نادرست اولیای مدرسه، معاشرت دانش‌آموزان با دوستانی که سابقه فرار از مدرسه دارند، نگرش منفی به مدرسه، خصایص شخصیتی دانش‌آموزان، (مانند اختلال سلوک، اضطراب، افسردگی و تنهایی می باشد) گرایش به فرار از مدرسه در پسران بیش از دختران است. و در بعد خانوادگی روابط معیوب خانوادگی، از هم گسیختگی، پایگاه اجتماعی - فرهنگی خانواده، (مانند تحصیلات مادر، شغل پدر و تعداد فرزندان)، عدم رسیدگی والدین به امور تحصیلی فرزندان، گذراندن اوقات فراغت، تغییر مدرسه، سابقه فرار از خانه می باشد.

واژه‌های کلیدی: افت تحصیلی، انگیزش، شکست تحصیلی، نگرش

مقدمه

همه ی والدین هنگامی که صبح ، کودک یا نوجوانشان را به مدرسه می فرستند انتظار دارند که این مدت زمانی که آن ها در منزل نیستند را در مدرسه سپری کنند. ولی در این میان کودکان و نوجوانانی هستند که بر خلاف انتظار والدینشان این مدت زمان را در کوچه و خیابان ها سپری می کنند. در واقع آن ها از مدرسه فرار می کنند. فرار از مدرسه در واقع حالتی است که کودک یا نوجوان بدون اطلاع و اجازه ی والدین و یا اولیای مدرسه به مدرسه نمی رود و به منزل هم باز نمی گردد. البته که ترس از مدرسه می تواند به عنوان علتی برای فرار از آن هم باشد ولی بین این دو تفاوت وجود دارد. به نظر **تایمرمن** ، نوجوان یا کودکی که ترس از مدرسه دارد نزد مادرش می ماند و نوجوان یا کودکی که فرار میکند ، در خیابان ها پرسه می زند. فرار از مدرسه بیشتر در نوجوانان مبتلا به اختلالات روانی ، سایکوپات ها ، حالات اضطراب و نظایر آن دیده می شود. در این حالت نوجوان یا کودک از مدرسه فرار می کند و به منزل نمی رود. پدر و مادر از غیبت فرزند از مدرسه اطلاعی ندارند یعنی نوجوان یا کودک هم از مدرسه فرار می کند هم از منزل. اکثر این کودکان یا نوجوانان بعد از فرار از مدرسه به خیابان ها روی می آورند و بی هدف در خیابانها و کوچه ها پرسه می زنند. که در این حالت طعمه ی خوبی برای خلافکاران و مجرمین هستند. و هم چنین در معرض سیگار کشیدن، اعتیاد ، دزدی و ... قرار می گیرند. در حقیقت این کودکان و نوجوانان با آینده ی خود بازی می کنند و ممکن است آینده ای رقم بزنند که اصطلاحاً به آن "**خودکشی اجتماعی**" می گویند. نخستین بررسی های منظم و طرح ریزی شده برای بیان تفاوت میان دانش آموزانی که از رفتن به مدرسه هراس دارند و غیبت می کنند با آن ها که از مدرسه فرار می کنند توسط **وارن (۱۹۴۸)** و **هرساو (۱۹۶۰)** به عمل آمد. هر دو نویسنده تأکید دارند که ترس از مدرسه ناشی از نوعی روان نژندی است که غالباً دیگر افراد خانواده نیز دچار آن هستند. این دسته کودکان معمولاً به خانواده هایی تعلق دارند که وضع مالی و جو عاطفی رضایت بخشی دارند. هوش این کودکان نیز از سطح متوسط بالاتر است.

سئوال کلی

علل فرار دانش آموزان از مدرسه کدامست؟

ب: سئوالات جزئی

- ۱- افت تحصیلی، فقدان انگیزش تحصیلی و ترس از شکست تحصیلی تا چه اندازه در فرار دانش آموزان از مدرسه تأثیر دارد؟
- ۲- برخورد نادرست اولیای مدرسه با دانش آموزان تا چه اندازه در فرار آنان از مدرسه تأثیر دارد؟
- ۳- معاشرت دانش آموزان با همسالانی که گرایش به فرار از مدرسه دارند تا چه اندازه د رگرایش فرار از مدرسه تأثیر دارد؟
- ۴- نگرش منفی دانش آموزان نسبت به تحصیل و مدرسه تا چه اندازه در فرار آنان از مدرسه تأثیر دارد؟
- ۵- ویژگی های فردی و خصایص شخصیتی دانش آموزان مانند اختلال سلوک، اضطراب، احساس تنهایی و افسردگی تا چه اندازه در فرار از مدرسه تأثیر دارد؟
- ۶- گرایش به فرار از مدرسه در پسران بیشتر است یا دختران؟
- ۷- روابط عاطفی معیوب در خانواده یا از هم گسیختگی خانواده تا چه اندازه در فرار دانش آموز از مدرسه تأثیر دارد؟
- ۸- پایگاه اجتماعی - فرهنگی خانواده تا چه اندازه در فرار از مدرسه دانش آموز تأثیر دارد؟
- ۹- ترتیب تولد دانش آموز تا چه اندازه ممکن است با گرایش او به فرار از مدرسه رابطه تأثیر دارد؟
- ۱۰- عدم رسیدگی والدین به امور تحصیلی دانش آموز تا چه اندازه در گرایش به فرار از مدرسه تأثیر دارد؟

ادبیات نظری

۱- افت تحصیلی:

تعریف نظری: افت از نظر لغوی به معنی کمبود، کمی، کم و کاست و نقصان است. منظور تکرار پایه تحصیلی در یک دوره و ترک تحصیل پیش از پایان دوره است. به عبارت دیگر افت تحصیلی شامل جنبه های مختلف شکست تحصیلی، چون غیبت

مطلق از مدرسه، ترک تحصیل قبل از موعد مقرر، تکرار پایه تحصیلی، نسبت میان سنوات تحصیلی دانش‌آموز و سال‌های مقرر آموزش و کاهش کیفیت تحصیلات می‌شود. منظور از افت تحصیلی کاهش عملکرد تحصیلی و درسی دانش‌آموز از سطح رضایت‌بخش به سطح نامطلوب است. هرگاه سطح یادگیری و نمرات دانش‌آموز یا فرزند ما نسبت به سطح نمرات و یادگیری گذشته اش پایین تر باشد می‌گوییم فرزند یا دانش‌آموز ما افت تحصیلی پیدا کرده است. مثلاً ترم گذشته معدل دانش‌آموز ۱۸ بوده اما در این ترم معدل ۱۶ شده این کمتر شدن نمرات نشان دهنده افت تحصیلی کودک یا نوجوان می‌باشد. (مرتضی امین فر)

تعریف عملیاتی: پیشرفت یا افت تحصیلی دانش‌آموزان مورد مطالعه بر حسب نمرات درسی آنان در امتحانات رسمی مدرسه تعریف شده است.

۲- انگیزش تحصیلی:

تعریف نظری: روان‌شناسان انگیزش را چیزی می‌دانند که به آدمی انرژی می‌دهد و فعالیت او را هدایت می‌کند. به رفتار نیرو می‌بخشد و به آن جهت می‌دهد. به عبارت دیگر، انگیزش، حالت درونی ارگانیزم است که موجب هدایت رفتار به سوی هدف می‌شود. (حسن رامشینی)

تعریف عملیاتی: انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان با استفاده از مجموعه‌ای از پرسش‌های بسته پاسخ مرتبط با انگیزه تحصیلی مورد سنجش قرار گرفته است.

۳- ترس از شکست تحصیلی:

تعریف نظری: تجارب موفقیت‌آمیز و یا توام با شکست دانش‌آموزان در دوران تحصیل در آموزشگاه بر همه جنبه‌های شخصیت آنان از جمله سلامت روانی، تاثیر مستقیم دارد ناتوانی بعضی از دانش‌آموزان در بهره‌گیری از روش‌های متداول آموزش کلاسی را نباید به حساب کم‌هوشی، تبلی و از این قبیل گذاشت و برآن اساس به قضاوت درباره آنان پرداخت. از این رو واکنش معلم در برابر شکست‌های دانش‌آموزان نباید با توجه به میزان قابلیت انطباق آنان با ویژگی‌های اختصاصی معلمان و مدرسه مورد قضاوت قرار گیرد، موفقیت و شکست دانش‌آموزان باید برحسب توانایی‌های مختلف آنان در انجام فعالیت‌های گوناگون تعبیر و تفسیر شود، نه بنابه توفیق آنها در برخورداری از روش معلم، علاوه بر این، هر اشتباه و یا توانایی یادگیرنده را نباید به حساب شکست و قصور او گذاشت، «اشتباه کردن نشانه شکست نیست، بلکه بخش مهم و جدایی ناپذیر فرایند یادگیری است.»

فونتانا

تعریف عملیاتی: ترس از شکست تحصیلی دانش‌آموزان با استفاده از مجموعه‌ای از پرسش‌های بسته پاسخ که به ترس و اضطراب دانش‌آموز از مدرسه مربوط می‌شود، مورد سنجش قرار گرفته است.

۴- برخورد اولیای مدرسه با دانش‌آموز:

تعریف نظری: روش تدریس معلم، ارتباط معلم با دانش‌آموزان، رفتار مدیر و سایر کارکنان مدرسه با دانش‌آموزان، نحوه و میزان تشویق و تنبیه‌هایی که اعمال می‌شود (عصاره)

تعریف عملیاتی: برخورد مدرسه با دانش‌آموزان در نظر گرفته شد که با استفاده از مجموعه‌ای از پرسش‌های بسته پاسخ مورد سنجش قرار گرفته است.

۵- نگرش دانش‌آموز نسبت به مدرسه و تحصیل:

تعریف نظری: نگرش عبارتست از آمادگی ذهنی و اکتسابی دانش‌آموز برای واکنش مثبت یا منفی نسبت به مدرسه و تحصیل. (عصاره)

تعریف عملیاتی: نگرش دانش‌آموز با استفاده از فرم نگرش سنجی که به روش لیکرت تهیه شده بود، مورد سنجش قرار گرفت و عبارتست از نمره‌هایی که دانش‌آموز از این مقیاس نگرش سنج به دست می‌آورد.

۶- خصایص شخصیتی دانش آموز:

تعریف نظری: شخصیت عبارتست از مجموعه الگوهای رفتاری که فرد برای سازگاری با محیط مورد استفاده قرار می‌دهد
تعریف عملیاتی: مراد از آن در این تحقیق آن دسته از صفات و خصایصی است که سازگاری دانش‌آموز را با خود، خانواده، مدرسه، همسالان و امور تحصیلی نشان می‌دهد.
این خصایص با استفاده از چک لیست مونی مورد اندازه‌گیری قرار گرفت.

۷- رابطه با دوستان و همسالان:

تعریف نظری: منظور میزان تقلید و تأثیرپذیری دانش‌آموز از دوستان و همکلاسانش که گرایش به فرار از مدرسه دارند است
تعریف عملیاتی: با استفاده از پرسش‌های بسته پاسخ میزان تأثیرپذیری از دانش‌آموزانی که گرایش به فرار از مدرسه دارند مورد سنجش قرار گرفته است.

۸- روابط عاطفی معیوب خانواده:

تعریف نظری: منظور از روابط عاطفی معیوب خانواده مشکلات موجود بین اعضای خانواده و دانش‌آموز، نظیر زد و خورد اعضای خانواده، فقدان والدین، جدایی والدین و ... است
تعریف عملیاتی: روابط عاطفی با استفاده از پرسش‌های بسته پاسخ مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است.

۹- پایگاه اجتماعی - فرهنگی خانواده:

تعریف نظری: منظور از پایگاه اجتماعی - فرهنگی، ویژگی‌های نظیر تحصیلات والدین، شغل والدین، وضعیت اقتصادی خانواده و دانش‌آموز، تعداد فرزندان، موقعیت و نوع محل سکونت و ... است
تعریف عملیاتی: در این تحقیق پایگاه اجتماعی - فرهنگی با استفاده از پرسش‌های بسته پاسخ مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد.

۱۰- ترتیب تولد:

تعریف نظری: منظور فرزند اول، دوم یا آخر بودن است.
تعریف عملیاتی: میزان تأثیرترتیب تولد دانش‌آموز در فرار از مدرسه با استفاده از پرسش‌های بسته پاسخ مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد.

۱۱- عدم رسیدگی به امور تحصیلی دانش‌آموز:

تعریف نظری: نظارت والدین به امور تحصیلی دانش‌آموز و چگونگی انجام امور تحصیلی وی است
تعریف عملیاتی: در این تحقیق با استفاده از پرسش‌های بسته پاسخ مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۱۲- فرار از مدرسه:

تعریف نظری: غیبت مکرر (حداقل بیش از دو بار) دانش‌آموزان از مدرسه بدون اطلاع خانواده و داشتن عذر موجه، فرار از مدرسه، محسوب می‌شود. بدین معنا که دانش‌آموز از نظر خانواده ظاهراً به مدرسه می‌رود ولی در عمل به جای رفتن به مدرسه وقت خود را در خارج از مدرسه می‌گذراند.

سابقه پژوهش

(زوارزاده ۱۳۹۵) ترس از مدرسه (مدرسه هراسی) می‌تواند ریشه‌های محیطی، خانوادگی یا فردی داشته باشد. پدر و مادر در پدید آمدن این ترس نقش دارند. ترس و اضطراب کودکان پیش از هر چیز به خاطر جدایی از پدر و مادر پدید می‌آید. پدر و مادری که کودکان را بیش از اندازه به خود وابسته می‌کنند زمینه را برای پدید آمدن اختلال اضطراب جدایی در کودکان پدید می‌آورند. اضطراب جدایی هنگام دور شدن از پدر و مادر در کودک نمایان می‌شود. پس والدینی که کودکشان را بیش از

اندازه به خود وابسته می‌کنند باید بدانند که در هنگام مدرسه رفتن با چالش ترس از مدرسه روبه‌رو خواهند شد. اختلال اضطراب جدایی یکی از شایع‌ترین دلایل ترس از مدرسه در کودکان است. اگر می‌دانید که کودکان دچار این اختلال است از یک روان‌شناس کودک برای درمان او کمک بگیرید. کودکانی که خجالتی، کم‌رو یا درون‌گرا هستند بیش از دیگر کودکان دچار ترس از مدرسه می‌شوند. این کودکان به خاطر این‌که نگران مسخره شدن یا زیر ذره‌بین بودن از سوی دیگران هستند دچار احساس ترس می‌شوند. این احتمال هست که محیط مدرسه برای کودک ناخوشایند باشد. کودکان گاهی در مدرسه با همسالانشان درگیر می‌شوند و این درگیری‌ها کابوس روزانه‌ی آن‌هاست. کودکان تا جایی که بتوانند کشمکش با همسالانشان را برای پدر و مادر بازگو نمی‌کنند چون این کار را نشانه‌ی ضعف و ناتوانی خود می‌دانند. برخی از آموزگاران و کارکنان مدرسه با کودکان رفتار سخت‌گیرانه دارند یا به تنبیه کودکان می‌پردازند ممکن است ترس کودک به خاطر چنین چیزهایی باشد. در سراسر جهان مواردی از تجاوز به کودکان (چه پسر و چه دختر) در مدرسه گزارش شده است. اگر کودکان از رفتن به مدرسه ترس دارد بهتر است این مورد را هم در نظر داشته باشید اما کودکان را در این زمینه با پرسش‌هایتان سردرگم و نگران نکنید. گاهی عوامل کوچک زمینه‌ساز ترس می‌شوند شاید کودکان نمی‌توانند بند کفش خود را ببندد. شاید خجالت می‌کشد که برای رفتن به دستشویی از آموزگار اجازه بگیرید و تا آمدن به خانه دستشویی نمی‌رود. شاید هم‌کلاسیش که کنارش می‌نشیند او را آزار می‌دهد یا فاصله‌اش از تخته دور است و نمی‌تواند آموزگار را به خوبی ببیند یا صدایش را بشنود. همین چیزهای کوچک نیز می‌تواند زمینه‌ساز ترس در دانش‌آموز شود. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد ترس در روزها و ماه نخست طبیعیست اما اگر این ترس برای سال‌ها همراه کودک باشد به شکل فوبیا در خواهد آمد.

(احمد پناه - ۱۳۸۹) بسیاری از کودکان فراری از مدرسه احتمالاً متعلق به خانواده‌های از هم گسیخته یا دارای والدین و خواهر و برادران بزه‌کار هستند. عده‌ای هم بر اثر تغییر مکرر مدرسه یا رد شدن از مدرسه بیزار می‌شوند. طبق تعریف فرار از مدرسه یعنی کودک به قصد مدرسه رفتن از منزل خارج می‌شود ولی به جاهای دیگری غیر از مدرسه می‌رود یا پس از ورود و گاهی پس از ماندن مختصری در مدرسه بدون هماهنگی با معلمان از آن جا بیرون می‌رود. روهرا^۱ و همچنین میشل^۲ (۱۹۹۶) برای پیدا کردن علل فرار از مدرسه نوجوانان پژوهشی را انجام دادند. روهرا به این نتیجه رسید که نوجوانانی که از مدرسه فرار می‌کنند از نظر جسمی و روانی با سایرین تفاوتی ندارند. شناخت فرار از مدرسه در ارتباط با توجه و عملکرد عنوان پژوهشی است که مالکوم^۳ و دیگران (۱۹۹۶) انجام داده‌اند. این تحقیق سعی در پیدا کردن رابطه بین توجه به کودکان، پیشرفت تحصیلی و فرار از مدرسه دارد. هفت مدرسه ابتدایی و هفت مدرسه متوسطه در دو نقطه آموزش و پرورش شامل ۷ رئیس گروه آموزشی ابتدایی و ۷ رئیس گروه آموزش متوسطه، ۱۴ معلم ابتدایی و ۲۸ معلم متوسطه، ۲۹۹ دانش‌آموز ابتدایی و ۷۶ دانش‌آموز متوسطه پرسشنامه‌های مربوط را پر کردند. با عده‌ای از دانش‌آموزان نیز تلفنی مصاحبه به عمل آمد. حدود ۸۹ درصد دانش‌آموزان علت گریز از مدرسه خود را در فرم‌های پرسشنامه ذکر کردند. علت‌های ذکر شده در مدارس مختلف و مناطق گوناگون، مختلف بودند.

الیسون، جی^۴ و همکاران در سال ۱۹۹۴ در دانشگاه دولتی کلرادو - امریکا درباره علل فرار از مدرسه پژوهشی را انجام داده‌اند. هرسو^۵ و برگ^۶ (۱۹۸۰) و سومر^۷ (۱۹۸۵) اظهار می‌دارند که «هر دانش‌آموزی که به مدت ۳ روز به صورت غیرموجه از مدرسه غیبت داشته باشد، فردی است که به اجبار به تحصیل مشغول است». شولتز^۸ (۱۹۸۷) می‌گوید فرار همان غیبت غیرموجه است. نتایج تحقیق معلوم می‌کند که فرار از مدرسه یکی از مشکلات اجتماعی است. این مشکل به شخص، مدرسه و

- 1 Rohr
- 2 Michael
- 3 Malcolm
- 4 Allison.J.
- 5 Harsov
- 6 Berg
- 7 Sommer
- 8 Schultz

جامعه مربوط می‌شود. آماری که از بررسی بدست آمده است نشان می‌دهد که دانش‌آموزان در شهرها و مناطق مختلف به یک نسبت از مدرسه فرار نمی‌کنند. پژوهشگران سعی دارند با مطالعه روان‌شناسی فرار از مدرسه و مشکلاتی که مدرسه یا جامعه دارد از میزان فرار دانش‌آموزان به ویژه در دوره نوجوانی و جوانی بکاهند.

اطلاعات جنبی به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده

علاوه بر اطلاعاتی که در رابطه با پرسش‌های پژوهشی دهگانه جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت که چگونگی نتایج به دست آمده از آن‌ها در صفحات قبل توضیح داده شد، نتایج جنبی دیگری نیز براساس داده‌های به دست آمده از دو پرسشنامه دانش‌آموز و والدین حاصل شد. این اطلاعات جنبی مربوط به چگونگی گذران اوقات فراغت، مقررات سخت مدرسه، مهاجرت یا تهرانی بودن، سابقه فرار یا غیبت از مدرسه و خانه، تغییر مدرسه، نقص عضو، بزهکاری یا هر نوع رفتار ناپه‌نجا در بین خویشاوندان دانش‌آموز است که هر یک از متغیرهای فوق‌الذکر با تعدادی پرسش به صورت یک نمره مقوله‌ای محاسبه شد و اطلاعات جمع‌آوری شده به تفکیک هر پرسش در مورد دو گروه مطالعه و مقایسه با استفاده از آزمون مجذور خی نیز با یکدیگر مقایسه شد.

خلاصه پژوهش

هدف تحقیق حاضر، شناسایی عوامل مختلف فرار دانش‌آموزان از مدرسه و پیدا کردن راه‌های مقابله با این پدیده و پیشگیری از آن بود. روش تحقیق علی مقایسه ای و جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر از کلاسهای چهارم ابتدایی تا سوم دبیرستان‌های شهر تهران می باشد که تعداد ۲۹۳۴ دانش آموز در دسترس در دو گروه مطالعه و مقایسه (هر گروه ۱۴۶۷ نفر) شامل دانش آموزانی که از مدرسه فرار کرده بودند و دانش آموزان عادی انتخاب گردیدند و اطلاعات مورد نیاز بوسیله دو پرسشنامه دانش‌آموز و والدین جمع‌آوری گردید. روایی و پایایی پرسشنامه ها انجام و محاسبه گردید. یافته‌ها: نتایج مورد نظر عبارت بودند از: افت تحصیلی، فقدان انگیزش، ترس از شکست تحصیلی، برخورد نادرست اولیای مدرسه، معاشرت دانش‌آموزان با دوستانی که سابقه فرار از مدرسه دارند، نگرش منفی به مدرسه، خصایص شخصیتی دانش‌آموزان، (مانند اختلال سلوک، اضطراب، افسردگی و تنهایی می باشد) گرایش به فرار از مدرسه در پسران بیش از دختران است. و در بعد خانوادگی روابط معیوب خانوادگی، از هم گسیختگی، پایگاه اجتماعی - فرهنگی خانواده، (مانند تحصیلات مادر، شغل پدر و تعداد فرزندان)، عدم رسیدگی والدین به امور تحصیلی فرزندان، گذراندن اوقات فراغت، تغییر مدرسه، سابقه فرار از خانه می باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

فرار از مدرسه در شمار رفتارهای ناپه‌نجاری است که کمابیش در تمام جوامع بین دانش‌آموزان مشاهده می‌شود. سهل انگاشتن این رفتار یا عدم برخورد صحیح با آن عواقب نامطلوب و زیان‌باری برای دانش‌آموزان، خانواده‌ها، مدرسه و در نهایت جامعه به بار می‌آورد.

مطالعات انجام شده در زمینه مدرسه‌گریزی معطوف به عوامل مختلفی است که می‌تواند در این نوع رفتار مؤثر باشد. پژوهشگران و نظریه‌پردازان مسائل تعمیم و تربیت به عوامل بسیاری توجه داشته‌اند که مهمترین آن‌ها اختلال‌های ذهنی - جسمی کودکان، کمبودهای عاطفی، فرهنگی، اقتصادی خانواده و مشکلات حاکم بر روابط افراد آن با یکدیگر، نابسامانی‌های موجود در مدرسه و ساختار نامناسب محیط اجتماعی است.

علی‌رغم اهمیت موضوع، به جهت دشواری مطالعه درباره افرادی که سابقه فرار از مدرسه دارند، پژوهش‌های انجام شده در مورد آن‌ها بسیار کم و غالباً متکی بر جنبه‌های استنباطی است تا تحلیل علمی. این دشواری بیشتر در دستیابی به کسانی که سابقه فرار از مدرسه دارند و تفکیک آن‌ها از افرادی که به دلایل مختلف از مدرسه غیبت می‌کنند و همچنین جلب همکاری آنان برای به دست آوردن اطلاعات واقعی است.

مطالعه حاضر با توجه به اهمیت یافتن عوامل مؤثر در فرار از مدرسه با رعایت اصول علمی طرح‌ریزی و اجرا شده است. در این بخش با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل‌های آماری، سوال‌های پژوهشی به تفکیک پاسخ داده خواهد شد.

سؤال اول پژوهشی:

افت تحصیلی، فقدان انگیزش تحصیلی و ترس از شکست تحصیلی تا چه اندازه در فرار دانش‌آموزان از مدرسه تأثیر دارد؟

برای دستیابی به پاسخ نخستین پرسش پژوهشی یازده سوال از پرسشنامه دانش‌آموز و پنج سوال از پرسشنامه والدین مورد مطالعه قرار گرفت. در این پرسش‌ها به کاهش میزان علاقه دانش‌آموز به مدرسه، ترس از درس یا امتحان، ترس از تحقیر به سبب گرفتن نمره کم، نداشتن علاقه به درس خاصی از درس‌های کلاس، تمایل بیشتر به ورزش و کارهای فنی و هنری نسبت به درس خواندن پرداخته شده بود.

نتایج به دست آمده از گروه مطالعه و گروه مقایسه در تمام پرسش‌ها نشان داد که با سطح اطمینان بالا، بین پاسخ‌های دو گروه تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بطوریکه وقتی از والدین پرسیده می‌شود آیا تاکنون متوجه شده‌اید که علاقه فرزندتان به مدرسه کاهش یافته باشد؟ $53/7$ درصد والدین دانش‌آموزان گروه مقایسه پاسخ مثبت داده‌اند و در بررسی عوامل کاهش میزان علاقه‌مندی به مدرسه، در برابر این سوال که آیا هیچ وقت فرزند شما به خاطر ترس از درس یا امتحان از رفتن به مدرسه خودداری کرده است؟ $24/9$ درصد والدین گروه مطالعه در برابر $7/8$ درصد والدین گروه مقایسه پاسخ مثبت داده‌اند. این تفاوت در سوال‌های مشابه دیگر نیز مشاهده می‌شود.

در نهایت این نتیجه استنباط می‌شود که افت تحصیلی، فقدان انگیزش تحصیلی و ترس از شکست تحصیلی در میان دانش‌آموزانی که از مدرسه گریزان هستند به مراتب بیشتر از دانش‌آموزانی است که سابقه فرار از مدرسه ندارند.

سؤال دوم پژوهشی:

برخورد نادرست اولیای مدرسه با دانش‌آموزان تا چه اندازه در فرار آنان از مدرسه تأثیر دارد؟ سیزده سوال از پرسشنامه دانش‌آموزان و سه سوال از پرسشنامه والدین به بررسی سوال دوم پژوهشی اختصاص داشت. تحلیل‌های آماری داده‌های مربوط به این سوال پژوهشی نشان داده است که هم دانش‌آموزان و هم والدین گروه مطالعه به مراتب بیشتر از دانش‌آموزان و والدین گروه مقایسه نحوه برخورد و رفتار اولیای مدرسه را در فرار از مدرسه مؤثر دانسته‌اند. بطوری که وقتی از والدین پرسیده می‌شود آیا هیچ وقت (فرزند شما) به خاطر رفتار ناخوشایند معلمان یا جو حاکم بر مدرسه از رفتن به مدرسه خودداری کرده است؟ در برابر $25/3$ درصد والدین دانش‌آموزان گروه مطالعه که سابقه فرار از مدرسه دارند، فقط $8/9$ درصد والدین دانش‌آموزان گروه مقایسه که چنین سابقه‌ای ندارند پاسخ مثبت داده‌اند. همانطور که در مقدمه این بخش اشاره شد. چنانچه بپذیریم که اطلاعات جمع‌آوری شده تمام واقعیت را منعکس کرده است و والدینی را که از فرار فرزندشان از مدرسه بی‌اطلاع هستند منظور نداریم باز تفاوت بارز میان دو گروه (مطالعه و مقایسه) مشهود است.

در فصل دوم گزارش تحقیق با توجه به مطالعات قبلی مکرر اشاره شده است که دانش‌آموزان مدرسه گریز غالباً از نظر درسی ضعیف و دارای هوش پایین‌تر از متوسط و دچار اختلال‌های ذهنی و یادگیری هستند. می‌توان انتظار داشت که برخی از معلمان و اولیای مدرسه بدون توجه به این تفاوت‌ها و واقعیات نحوه رفتار متفاوتی با این‌گونه دانش‌آموزان داشته باشند و همین امر به مرور موجب بی‌زاری دانش‌آموز و فرار او از مدرسه شود.

سؤال سوم پژوهشی:

معاشرت دانش‌آموزان با همسالانی که گرایش به فرار از مدرسه دارند تا چه اندازه در گرایش فرار از مدرسه تأثیر دارد؟

تحلیل‌های آماری داده‌ها در پرسشنامه دانش‌آموز و والدین و مقایسه نتایج به دست آمده از گروه مطالعه (با سابقه فرار از مدرسه) و گروه مقایسه (بدون سابقه فرار از مدرسه) نشان داده است که معاشرت با دوستانی که به فرار از مدرسه تمایل دارند به طور معنی‌دار، در گرایش دانش‌آموزان به فرار از مدرسه مؤثر است. نکته قابل توجه در یافته‌های این پرسش

پژوهشی این است که علی‌رغم کنجکاوای کمتر والدین دانش‌آموزان گروه مطالعه نسبت به دوستان فرزندشان در مدرسه در برابر والدین دانش‌آموزان گروه مطالعه نسبت به دوستان فرزندشان در مدرسه در برابر والدین دانش‌آموزان گروه مقایسه (۶۱/۷ درصد در مقابل ۶۶/۴ درصد)، مشاهده می‌شود که اغلب والدین دانش‌آموزان گروه مطالعه به سوال‌هایی از قبیل: آیا آگاهی از کسانی که فرزندان با آنها معاشرت داشته است ناراضی بوده‌اند؟ (۵۴/۳ درصد) یا: آیا فکر می‌کنید دوستان بد توانسته‌اند در او (فرزندتان) تأثیر نامطلوب داشته باشند؟ (۵۲/۸ درصد) پاسخ مثبت داده‌اند. این یافته به آن معنی است که والدین دانش‌آموزانی که به فرار از مدرسه تمایل دارند با علم به تأثیر نامطلوب دوستان بد، حساسیت و کنجکاوای لازم را نسبت به معاشرت‌های فرزندان خود ندارند و در نتیجه روش‌های تربیتی مناسب را در مورد هدایت این نوع معاشرت‌ها اعمال نمی‌کنند. مطالعات انجام شده که در فصل دوم گزارش حاضر مورد تأکید قرار گرفته است به برخی عوامل اشاره دارد که توجیه‌کننده این عدم حساسیت والدین نسبت به فرزندان است. از هم گسیختگی خانواده و همچنین عدم اطلاع پدر و مادر از غیبت فرزندان (نوابی نژاد ۱۳۷۳) جو ناسازگاری والدین و دیگر اعضای خانواده (محمد سعیدی - ۱۳۷۴) می‌تواند از عوامل مؤثر در بی‌توجهی والدین نسبت به فرزندان و معاشرت‌ها و مسائل تحصیلی و تربیتی آنان باشد.

سؤال چهارم پژوهشی:

نگرش منفی دانش‌آموزان نسبت به تحصیل و مدرسه تا چه اندازه در فرار آنان از مدرسه تأثیر دارد؟ برای پاسخگویی به این پرسش پژوهشی از یک نگرش سنج دانش‌آموز استفاده شده است. تحلیل آماری داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین نمره‌های کسب شده توسط دانش‌آموزانی که سابقه فرار از مدرسه دارند (۸۶/۷۶ درصد) به طور معنی‌دار کمتر از دانش‌آموزانی است که سابقه فرار از مدرسه ندارند (۹۹/۴۲ درصد). در نهایت می‌توان گفت دانش‌آموزانی که به دلایل مختلف نسبت به مدرسه دارای نگرش منفی هستند، بیش از سایر دانش‌آموزان گرایش به فرار از مدرسه دارند. برخی از این دلایل را می‌توان در پرسش‌های پژوهشی شماره یک و دو یعنی فقدان انگیزش تحصیلی، افت تحصیلی یا برخورد نادرست اولیای مدرسه با دانش‌آموزان جستجو کرد. بدیهی است باید برای از میان بردن عوامل اصلی این نحوه نگرش که خود معلول آنهاست برنامه‌ریزی لازم به عمل آورد.

سؤال پنجم پژوهشی:

ویژگی‌های فردی و خصایص شخصیتی دانش‌آموزان مانند اختلال سلوک، اضطراب، احساس تنهایی و افسردگی تا چه اندازه در فرار از مدرسه تأثیر دارد؟

برای پاسخ دادن به این پرسش پژوهشی از یک پرسشنامه دانش‌آموز و یک سوال از پرسشنامه والدین استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تحلیل آماری داده‌ها از یکسو نشان می‌دهد که اختلال سلوک، اضطراب، احساس تنهایی و افسردگی در میان دانش‌آموزانی که سابقه فرار از مدرسه دارند بطور معنی‌دار بیشتر از دانش‌آموزانی است که چنین سابقه‌ای ندارند. از سوی دیگر براساس نظر والدین، دانش‌آموزان مدرسه گریز غالباً افرادی لجوج و پرخاشگر هستند و زود عصبانی می‌شوند. بطوریکه در پژوهش ملاحظه می‌شود ۶۰/۴ درصد والدین دانش‌آموزان گروه مطالعه و ۳۸/۵ درصد والدین دانش‌آموزان گروه مقایسه به این سوال که: آیا او (فرزند شما) فردی لجوج و پرخاشگر است و زود عصبانی می‌شود؟ پاسخ مثبت داده‌اند. در نهایت این نتایج حاکی از آن است که برخی خصایص شخصیتی دانش‌آموزان مانند: اضطراب، اختلال سلوک، افسردگی، تنهایی از عوامل مؤثر در فرار دانش‌آموزان از مدرسه است. چنانکه بل و همکارانش در دانشگاه ایالتی کلرادو سه عامل شخصی، مدرسه‌ای و خانوادگی را در فرار از مدرسه مؤثر یافته‌اند که با نتایج این تحقیق همخوانی دارد.

گرچه روهر و میشل (۱۹۹۶) در پژوهشی برای پیدا کردن علل فرار از مدرسه به این نتیجه رسیده‌اند که نوجوانانی که از مدرسه فرار می‌کنند از نظر جسمی و روانی با سایر دانش‌آموزان تفاوتی ندارند و خصایص شخصیتی موضوع پرسش پنجم پژوهشی عموماً از اختلالات روانی محسوب می‌شوند، اما در اغلب پژوهش‌های انجام شده به تفاوت‌های جسمی و روانی میان دانش‌آموزان مدرسه گریز با دانش‌آموزانی که سابقه فرار از مدرسه ندارند تأکید شده است. از جمله علی قاضی (۱۳۶۷) طی

مقاله‌ای با عنوان «فوبیای مدرسه یا بیماری‌های ناشی از ترس مدرسه» اشاره کرده است که کودکان مدرسه‌گریز گاهی در رشد جسمی و ذهنی عقب‌ماندگی دارند و از قیدها آداب در زحمت هستند و اغلب ترسو و خجالتی می‌باشند. همچنین انجمن روان‌پزشکی آمریکا اختلال‌های عقب‌ماندگی ذهنی، یادگیری، کاستی توجه، رفتار ایدایی را از جمله عوامل فرار از مدرسه دانسته است. پیش از آن نیز وارن (۱۹۴۸) و هرساو (۱۹۶۰) تأکید نموده‌اند که این دسته دانش‌آموزان غالباً روند بزه‌کاری دارند. این گروه اغلب علیه شرایط حاکم بر خانه می‌شورند و اختلالات رفتاری از خود نشان می‌دهند.

سؤال ششم پژوهشی:

گرایش به فرار از مدرسه در پسران بیشتر است یا دختران؟

در پاسخ به این سوال پژوهشی تحلیل‌های آماری نشان داده است که گرایش به فرار از مدرسه با اطمینان ۹۹/۹ درصد در پسران بیشتر از دختران است. نسبت شیوع این رفتار در پسران ۷۰/۳ درصد و در دختران ۲۹/۷ درصد است. بطوریکه مشاهده می‌شود مدرسه‌گریزی در میان پسران بیش از دو برابر دختران است.

بهروز میلانی‌فر (۱۳۷۰) در کتاب روان‌شناسی کودک و نوجوان استثنایی فرار از مدرسه را در پسران پنج برابر دختران ذکر کرده است. بدهی است شرایط اجتماعی و محدودیت‌هایی که در جامعه ما دختران نسبت به پسران دارند از یک طرف و حساسیت و مراقبت بیشتر خانواده‌ها از دختران را می‌توان از عوامل این تفاوت دانست.

سؤال هفتم پژوهشی:

روابط عاطفی معیوب در خانواده یا از هم گسیختگی خانواده تا چه اندازه در فرار دانش‌آموز از مدرسه تأثیر دارد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش پژوهشی نوزده سوال از پرسشنامه دانش‌آموز و ده سوال از پرسشنامه والدین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل آماری داده‌ها نشان داده است که گرایش به فرار از مدرسه بین دانش‌آموزانی که در خانواده آن‌ها روابط عاطفی معیوب وجود دارد به نحو بارزی بیشتر از خانواده‌هایی است که از استحکام و ثبات برخوردار بوده و روابط عاطفی آنها سالم است.

از بررسی پاسخ‌های دانش‌آموزان به پرسش‌های مطرح شده استنباط می‌شود که عواملی مانند فوت پدر، داشتن نامادری، جدایی پدر و مادر و داشتن ناپدری که از عوامل بارز از هم گسیختگی و اختلال در روابط عاطفی خانواده است در گرایش دانش‌آموزان به فرار از مدرسه مؤثر است. این یافته با مطالعه بل که قبلاً به آن اشاره شد همخوانی دارد. علاوه بر این، بطوریکه در فصل دوم گزارش حاضر نیز تأکید شده است. تمامی مطالعات و بررسی‌های انجام شده کمبودهای عاطفی و از هم گسیختگی خانواده را از جمله عوامل فرار کودکان از مدرسه دانسته‌اند.

وارن و هرساو به کمبود عاطفی و عدم ارضای حوائج فرزندان مدرسه‌گریز در خانه و مدرسه اشاره کرده و تأکید دارند که این دسته کودکان اغلب علیه شرایط حاکم بر خانه شورش می‌کنند. نوایی‌نژاد (۱۳۷۳) نوشته است: بسیاری از این‌گونه کودکان (مدرسه‌گریز) احتمالاً متعلق به خانواده‌های از هم گسیخته‌اند. انجمن روان‌پزشکی آمریکا در کتاب IV و DSM-III برای این دسته کودکان به کاستی و کمبود توجه و رفتار ایدایی اشاره کرده است. در ماهنامه صلح و تربیت (۱۳۷۴) در انعکاس گزارش پژوهشی محمد سعیدی آمده است: «صددرصد نوجوانان فراری از خانه وجود ناسازگاری والدین و دیگر اعضای خانواده را تأکید کرده‌اند و از اعمال خشونت و تنبیه بدنی رنج می‌برند» با توجه به این مطلب که در همین تحقیق وجود رابطه معنی‌دار میان فرار از خانه و مدرسه تأیید شده است، می‌توان وجود ناسازگاری والدین و دیگر اعضای خانواده را که خود با اختلال عاطفی همراه است از عوامل فرار از مدرسه نیز دانست.

علی قائمی (۱۳۶۷) در مطالعات تیپ‌شناسی کودکانی که از مدرسه فرار می‌کنند بر این نکته تأکید دارد که: «این نوع کودکان بیشتر از خانواده‌های پرآلود هستند و در محیط زندگی آنان تبعیض وجود دارد و خانواده در سطح پایین از فرهنگ قرار دارد.» همه موارد مورد اشاره می‌تواند روابط عاطفی خانواده را معیوب کند و ارتباطات درست و منطقی میان افراد خانواده را خدشه‌دار سازد.

سؤال هشتم پژوهشی:

پایگاه اجتماعی - فرهنگی خانواده تا چه اندازه در فرار از مدرسه دانش آموز تأثیر دارد؟

برای پاسخ دادن به این سوال پژوهشی متغیرهای تحصیلات و شغل والدین، وضعیت اقتصادی والدین و دانش آموز، تعداد فرزندان و محل سکونت خانواده به عنوان عوامل تعیین کننده پایگاه اجتماعی - فرهنگی مورد مطالعه قرار گرفته است. تحلیل آماری داده‌های مربوط به پرسش پژوهشی اخیر نشان می‌دهد که از یکسو مسائل و مشکلات مالی و اقتصادی دانش آموز که ناشی از موقعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده است از عوامل مؤثر فرار از مدرسه است، و از سوی دیگر عواملی چون تحصیلات مادر، شغل پدر، تعداد فرزندان خانواده (خانواده‌های پرآلود) با فرار فرزندان از مدرسه رابطه معنی دار دارد.

در این پژوهش نشان داده شده است که بین تحصیلات پدر، شغل مادر، همچنین منطقه محل سکونت خانواده با فرار فرزندان از مدرسه رابطه‌ای وجود ندارد. به عبارت دیگر میزان تحصیلات پدر و نوع شغل مادر و منطقه محل سکونت خانواده در فرار فرزند از مدرسه مؤثر نیست. اما سطح تحصیلات مادر و شغل پدر با این رفتار فرزند رابطه دارد. بنظر می‌رسد به جهت نقش بیشتر تربیتی مادر در فرزند بالاتر بودن سطح تحصیلات او بیشتر از پدر در تربیت فرزند ایفای نقش می‌کند و هرچه سطح تحصیلات مادر بیشتر باشد، مدرسه‌گریزی فرزند کمتر می‌شود. از طرف دیگر شغل پدر به دلیل تأثیر مستقیمی که در وضعیت اقتصادی خانواده دارد از اهمیت بیشتری نسبت به شغل مادر برخوردار بوده و پایگاه اقتصادی خانواده را ارتقاء می‌بخشد و از میان مدرسه‌گریزی فرزند می‌کاهد.

در برخی پژوهش‌های انجام شده قبلی نیز پایین بودن سطح فرهنگ، فقر و کمی درآمد و پرآلود بودن خانواده از عوامل مؤثر در فرار دانش‌آموزان از مدرسه تشخیص داده شده است. (قائمی ۱۳۷۶)

با اینکه بیشتر پژوهش‌های بعمل آمده میان فرار از مدرسه دانش‌آموزان و فقر مالی و موقعیت ضعیف اقتصادی خانواده‌ها رابطه مثبت و معنی‌دار نشان داده است اما ملاحظه می‌شود که در برخی مطالعات این رابطه معکوس عنوان شده است. میلانی‌فر (۱۳۷۰) «کودکانی که از رفتن به مدرسه امتناع می‌کنند، اکثراً به خانواده‌های مرفه تعلق دارند...» گرچه مشخص نیست این نظریه متکی به پژوهش‌های علمی باشد ولی توجه به این امر و مطالعات تکمیلی دیگر برای روشن ساختن نتایج این تحقیق با اظهار نظر فوق ضروری می‌نماید.

سؤال نهم پژوهشی:

ترتیب تولد دانش آموز تا چه اندازه ممکن است با گرایش او به فرار از مدرسه رابطه تأثیر دارد؟

برای اینکه روشن شود ترتیب تولد دانش‌آموز (فرزند اول یا دوم به بعد خانواده بودن) در گرایش او به فرار از مدرسه مؤثر است یا نه یک سوال در پرسشنامه والدین گنجانده شده است. مقایسه نتایج به دست آمده در مورد دو گروه مطالعه و مقایسه نشان داد که میان آن‌ها تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. نتیجه به دست آمده بیان کننده این نکته است که ترتیب تولد فرزند در گرایش او به فرار از مدرسه نقشی ایفا نمی‌کند. این یافته با نظر آدلر که انحراف رفتاری را بیشتر شبه فرزندان اول نسبت می‌دهد تا فرزندان بعدی هماهنگی ندارد. شاید این ناهماهنگی به این علت باشد که آدلر در نظریه خود فرزندان اول میانی و آخر را مقایسه و نتیجه‌گیری کرده است. علت احتمالی دیگر ممکن است تفاوت عوامل فرهنگی جوامع غربی یا جامعه ایران باشد.

سؤال دهم پژوهشی:

عدم رسیدگی والدین به امور تحصیلی دانش آموز تا چه اندازه در گرایش به فرار از مدرسه تأثیر دارد؟

برای دستیابی به پاسخ دهمین پرسش پژوهشی دو سوال در پرسشنامه دانش‌آموز و پنج سوال در پرسشنامه والدین مطرح شد. بررسی پاسخ‌های ارائه شده و تحلیل آماری آن‌ها نشان داد که از نظر دانش‌آموزان و والدین عدم رسیدگی مستقیم والدین به این امور تحصیلی دانش‌آموزان از عوامل مؤثر در گرایش فرار از مدرسه است. اما برقراری ارتباط والدین با معلمان

در رابطه با مسایل تحصیلی فرزندان و همچنین بکارگیری روش‌های تشویق‌آمیز در انجام امور تحصیلی آنان در گرایش دانش‌آموزان به فرار از مدرسه نقشی ندارد. این نتایج نشان می‌دهد که بی‌قیدی و عدم مراقبت والدین نسبت به امور تحصیلی فرزندان خود در خانه که می‌تواند به استناد یافته‌های قبلی ناشی از پایین بودن سطح فرهنگ خانواده و روابط معیوب عاطفی و یا از هم گسیختگی خانواده باشد از عوامل مدرسه‌گریزی فرزندان محسوب می‌شود.

در این پرسش پژوهشی دو سوال از پرسشنامه والدین به شناسایی دوستان فرزندان و کنجکاوای درباره آن‌ها اختصاص یافته است. طرح دو سوال مزبور با این وجهه نظر بعمل آمده که نظارت والدین بر معاشرت‌های فرزندان خود با دوستانشان از نشانه‌های رسیدگی به امور تحصیلی آنان است. مشابه این دو سوال در پرسش پژوهشی سوم نیز به صورت‌های مختلف بررسی شده است. که در تمام موارد نتایج مشابهی به دست آمده و نشان داده است که عدم مراقبت والدین نسبت به معاشرت‌های فرزندان و داشتن دوستان نامناسب از عوامل موثر در گرایش به فرار از مدرسه آنان است.

یافته‌های جنبی

علاوه بر پرسش‌های پژوهشی تحقیق که مورد بحث و تحلیل قرار گرفت در پرسشنامه‌های اجرا شده سوال‌های دیگری وجود داشت که جداگانه استخراج و داده‌های آنها تحلیل شد. یافته‌های به دست آمده نشان داد که علاوه بر عوامل مؤثر یا مرتبط با گرایش به فرار از مدرسه که در پرسش‌های پژوهشی به آنها پاسخ داده شد، بین برخی عوامل دیگر مانند: چگونگی گذراندن اوقات فراغت، تغییر مدرسه، سابقه فرار از خانه و وجود بزهکاری یا هر نوع رفتار نابهنجار در بین خویشاوندان با گرایش دانش‌آموز به فرار از مدرسه نیز رابطه معنی‌دار وجود دارد. هرکدام از عوامل بالا همچنین می‌تواند در مدرسه‌گریزی دانش‌آموزان مؤثر باشد. بیشتر یافته‌های جنبی تحقیق حاضر با نتایج پژوهش‌های قبلی که در فصل دوم گزارش ارائه شده است هماهنگی و همخوانی دارد.

چنانچه در مورد رابطه فرار از خانه و فرار از مدرسه در ماهنامه اصلاح تربیت (۱۳۷۴) به نقل از محمد سعیدی آمده است: بین فرار از خانه و مدرسه رابطه مستقیمی وجود دارد و اکثر نوجوانان قبل از فرار از خانه بارها از مدرسه فرار کرده‌اند. در این تحقیق فرار از مدرسه مقدمه فرار از خانه دانسته شده است. در زمینه رابطه بزهکاری خویشاوندان با فرار دانش‌آموزان از مدرسه نیز نوابی‌نژاد (۱۳۷۳) می‌نویسد: بسیاری از این‌گونه کودکان احتمالاً متعلق به خانواده‌های از هم گسیخته یا دارای والدین و خواهر و برادران بزهکارند.

برخی از پژوهشگران نیز فرار از مدرسه را مقدمه ارتکاب فرد به بزهکاری می‌دانند. چنانکه تیگاردون معتقد است فرار از مدرسه گامی است به طرف جنایت. زیرا فرار از مدرسه مستلزم صرف وقت دانش‌آموز است برای کار دیگری که مستلزم صرف پول است و چون پول ندارد ناچار است دست به دزدی بزند (جعفرآبادی، ۱۳۶۷) این گفته و یافته‌های قبلی مؤید این مطلب است که وجود بزهکاری در خانواده از عوامل مؤثر در فرار فرزند از مدرسه و فرار فرزند از مدرسه مقدمه اقدام به بزهکاری است.

محدودیت‌های تحقیق

محدودیت‌های خارج از اختیار پژوهشگر

۱- چون مدرسه‌گریزی از جمله رفتارهای ناپسند اجتماعی است این امکان وجود دارد که برخی از دانش‌آموزان مدرسه‌گریز یا والدین آن‌ها از دادن اطلاعات واقعی سوخودداری کرده باشند، در این صورت ممکن است پاسخ‌های افراد مورد مطالعه در بعضی از نتایج این تحقیق اثر گذاشته باشد.

۲- گروه نمونه مورد مطالعه براساس گزارش هسته مشاوره از رفتار فرار دانش‌آموزان استوار بوده است. بنابراین اعتبار و روایی این یافته‌ها با اعتبار و صحت گزارش‌های ارائه شده از هسته‌های مشاوره در مورد فرار از مدرسه دانش‌آموزان رابطه دارد.

محدودیت در اختیار پژوهشگر

۱- بعلت عدم مراجعه پژوهشگر به شهرهای مختلف، چون تحقیق حاضر در مورد دانش‌آموزان ساکن تهران انجام شده است بنابراین ممکن است یافته‌های این تحقیق در مورد دانش‌آموزان سطح کشور به طور کامل صدق نکند.

پیشنهادهای کاربردی

- ۱- آموزش مسئولان اداره مدرسه به خصوص معلمان در مورد مخاطرات تهدید، تحقیر و ترساندن دانش‌آموزان از درس و امتحان با توجه به یافته‌های پژوهش ضروری است.
- ۲- آموزش خانواده‌ها به مراقبت از فرزندان، رسیدگی به امور تحصیلی آن‌ها، حساسیت و مراقبت نسبت به معاشرت با دوستان و نیز برقراری روابط عاطفی سالم در خانه، از اهمیت بالایی برخوردار است.
- ۳- ایجاد شرایط آموزشی مطلوب در مدارس و برقراری ارتباط حسنه بین مشاورمدرسه و دانش‌آموزان و پیش‌بینی فعالیت‌های فوق برنامه متناسب با علایق دانش‌آموزان با توجه به تفاوت‌های فردی که موجب افزایش انگیزه تحصیلی می‌شود باید وجهه نظر قرار گیرد.
- ۴- ایجاد روابط نزدیک بین خانه و مدرسه برای اطلاع والدین از وضعیت تحصیلی فرزندان.
- ۵- توجه جدی به آموزش خانواده و تربیت مدرس با تجربه برای اداره کلاس‌های آموزش خانواده
- ۶- ترتیب جلسات پرسش و پاسخ برای اولیاء و مربیان توسط افراد مطلع و مسئول
- ۷- تقویت مراکز مشاوره و هسته‌های مشاوره و مراکز بهداشت روانی

منابع و مأخذ

الف) فهرست منابع فارسی

- حسینی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۲). ترس از مدرسه و درمان آن. مجله نبض. سال دوم، مرکز بهداشت روانی و روانپزشکی سفا، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
- سعیدی، محمد (۱۳۷۴)، گزارش مختصر پیرامون طرح بررسی علل فرار نوجوانان از خانه. پایان‌نامه فوق‌لیسانس، ماهنامه اصلاح و تربیت، مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندان‌ها
- سلیمی اشکوری، هادی (۱۳۵۶)، تحصیل و رفتار کودک، تهران، انتشارات آگاه.
- شریفی، حسن پاشا (۱۳۷۱)، چگونگی شکل‌گیری نگرش‌های دانش‌آموزان. مجموعه مقالات سمپوزیوم. جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی
- شریفی، حسن پاشا (ویراستار) (۱۳۷۴). راهنمای تشخیص و آماری اختلال‌های روانی (DSM-IV). ترجمه: محمدرضا نیکخو و دیگران، تهران: انتشارات سخن.
- قائمی، علی (۱۳۶۷). فویبای مدرسه، بیماری‌های ناشی از ترس مدرسه، مجله پیوند، شماره ۱۰ و ۱۴.
- کان، جک اج و دیگران (۱۳۷۰). بی‌زاری از مدرسه، ترجمه: حسن سلطانی‌فر. مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
- کدیور، نعمت (۱۳۷۱). روش و محتوای آموزش در مراکز آموزشی، تهران: انتشارات آگاه.
- گلزاری، محمود (۱۳۶۹). ترس از مدرسه یا ... مجله رشد معلم، سال هشتم، شماره ۱، شماره مسلسل ۵۸، ص ۳۶-۳۸.
- میلانی‌فر، بهروز (۱۳۷۰). روان‌شناسی کودک و نوجوان استثنایی. تهران: نشر قدس یا توس.
- نلسن و ایزرائل (۱۳۷۱). اختلال‌های رفتاری کودکان. ترجمه: م. تقی منشی طوسی. مشهد: آستان قدس رضوی. چاپ سوم.
- نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۳). رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه‌های پیشگیری و درمان نابهنجاری‌ها. تهران: انجمن اولیا و مربیان
- نوری کرمی، رضا و مرادی، علیرضا (۱۳۷۰). روان‌شناسی تربیتی، دوره کاردانی تربیت معلم، تهران: وزارت آموزش و پرورش، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.

ب) فهرست منابع انگلیسی

- Anton, W. (1982), A subcommittee report on educational opportunities and needs for divergent youth. U.S.

- Bell, J.A; Rosen A.L. & Dynlacht, D. (1994), Truancy intervention. Colorado State University. U.S.
- Bos, K.TJ.; Ruijters, A.M. and Visscher A.J. (1990), Truancy, drop-out, class reporting and their relation with school characteristics, University of twente. The Netherlands.
- Ellickson, P.L. & others. (1988), Containing attrition in school-based research: An innovative approach. Evaluation review, U.S.
- Fiordaliso, R. and others (1976), Decreasing absenteeism on the junior highschool level. U.S
- Haller, E.J. (1992), High school size and student indiscipline: Another aspect of the school consolidation issue? Correll University. U.S.
- Hanna, P.V. (1993), Reducing high school attrition: Group counseling can help School counselor. U.S.
- Hansen, W.B. and others. (1983), Attrition in prevention research, National inst On drug abuse, U.S.
- Rohr, M.E. (1996). Identifying adolescent runaways: The predictive utility of the personality inventory for children. U.S.
- Stampen, J.O. and others. (1986). Exploring the effects of student aid on attrition. Journal of student financial aid. U.S.
- Visscher, A.J. and Box K. TJ. (1993), combating truancy: Can the computer help schools? University of Twente. U.S.